

بازگشت لودرها به  
سرزمین «عیلامی»ها

مدیرکل اداره میراث فرهنگی خوزستان:  
از متخلفان راهسازی در محوطه ۳ هزارساله  
رامهرمز شکایت کرده‌ایم

اعتراض، پشت دیوارهای «سهراب»

اهالی شهر مرزی رفیع، به استخدام نیروهای غیربومی  
در میدان نفتی معترض‌اند



معمای آلودگی هوای استان‌های شمال ایران

# بنزین روسی یا ریزگرد ترکمنستانی؟

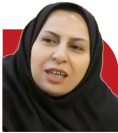


**اهالی شهر مرزی رفیع، به استخدام نیروهای غیربومی در میدان نفتی معترض اند**

# اعتراض، پشت دیوارهای «سهراب»



اهالی



**انادره وائلی زاده**

روزنامه نگارا

سهراب هفتمین میدان نفتی در جنوب‌غربی خوزستان و آخرین آنهاست که در قلب هورالعظیم قرار دارد. حفاری چاه‌های این میدان نفتی بدون مجوز محیط‌زیستی آغاز شد و در سال ۱۴۰۱ مجوزش را از سازمان حفاظت محیط‌زیست گرفت. توسعه میدان سهراب در حساس‌ترین منطقه زیستگاهی هورالعظیم که قبلاً نیز به تخریب‌های نفتی منجر شده بود، با اعتراض کنشگران و کارشناسان محیط‌زیست و جامعه محلی مواجه شده و هنوز نتوانسته مجوزهای محیط‌زیستی را اخذ کند.

سایت‌ها و کارگاه‌های سهراب در شهر کوچک رفیع قرار گرفته و آن‌طورکه اهالی این شهر به «پیام ما» می‌گویند، اعتراض اهالی حدود ۱۱ صبح شنبه، ۲۴ آبان، در حالی رخ داد که شورای اشتغال رفیع در بخشداری تشکیل شده بود و تعدادی از جوانان جویای کار که در مقابل ساختمان بخشداری تجمع کرده بودند، خواستار بررسی استخدام اخیر نیروهای غیربومی در شرکت‌های پیمانکاری مستقر در میدان نفتی سهراب و اخراج آنها شده بودند. عملی‌نشدن این درخواست تجمع‌کنندگان را خشمگین و راهی سایت‌های سهراب کرد و منجر به درگیری و تعطیلی این سایت‌ها شد.

«باسم»، یکی از اهالی رفیع، در گفت‌وگو با «پیام ما» مشکل اصلی را استخدام نشدن بومی‌ها در شرکت‌های نفتی فعال در میدان سهراب می‌داند: «از زمان استقرار میدان سهراب قرار بود، جوانان بومی در اولویت استخدام باشند و جذب نیرو زیر نظر شورای اشتغال و براساس قرعه‌کشی بین افراد جویای کار انجام شود، اما این شرکت به قول‌وقراریا عمل نکرد.»

اخباری که به‌تازگی از استخدام دوباره تعدادی نیروی غیربومی برای کارهای خدماتی و کارگری دست‌به‌دست می‌شود، اهالی رفیع را رنجانده است. به همین دلیل است که به‌گفته باسَم، «مردم رفتند پشت درهای شورای اشتغال در بخشداری منتظر ماندند تا شاید فرجی شود و کار تعدادی از جوان‌ها درست شود، اما مسئولان گفتند نمی‌توانند غیربومی‌ها را اخراج کنند. این بود که

اعتراض مردم محلی به استخدام نیروهای غیربومی در شرکت‌های نفتی مستقر در خوزستان بالاگرفته است. این بار میدان نفتی «سهراب» در شهر مرزی «رفیع»، با اعتراض جوانان بومی جویای کار مواجه شده است. اهالی این شهر از توابع شهرستان هویزه در خوزستان، پیش از این هم بارها برای درخواست به‌کارگیری جوانان بومی تجمع‌هایی اعتراضی در مقابل ورودی سایت برگزار کرده بودند که مورد توجه قرار نگرفت. حالا اما کار به درگیری کشیده و بنابر گزارش‌ها منجر به تعطیلی این میدان نفتی شده است.

نیروی خدمات و کارگر و آشپز را هم از نیروهای غیربومی به کار می‌گیرند، وقتی هم به استخدام بومی‌ها می‌رسد، آنقدر سختگیری می‌کنند تا جوانان منطقه را رد کنند. مثل آخرین بار که چهار نفر در قرعه‌کشی اسمشان برای نیروی خدماتی درآمد، اما به‌خاطر آزمون‌ها و مصاحبه‌های سخت هنوز هم سرکار نرفته‌اند.»

باسم درباره افراد بومی استخدام‌شده توضیح می‌دهد: «پیش از ۲۰ نفر از بومی‌ها در عوض دادن اسناد زمین‌هایشان استخدام شدند؛ این زمین‌ها یا تبدیل به کمپ و سایت شد یا از آن برای خاکبرداری استفاده کردند. اما اخیراً که شرکت با مشکل بودجه روبه‌رو شد، تعدیل نیرو را از پرسنل بومی شروع کرد و کسانی که به‌کار گرفته بود را هم اخراج کرد.»

او می‌گوید: «از قدیم گفته‌اند چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. ما آب برای کشاورزی نداریم و تابستان هم کشت نداشتیم. الان هم آب نیست به زمین‌هایمان را بکاریم. رودخانه و هور را خشک کردند و صیادی هم نمی‌توانیم بکنیم. دام‌هایمان در بی‌آبی تلف شدند. هفت‌هشت ماه است که دود آتش‌سوزی هورالعظیم نفس‌هایمان را تنگ کرده، آن وقت شرکت‌های نفتی از جوانان منطقه نیرو استخدام نمی‌کنند. پس تکلیف مردم اینجا چه می‌شود؟»

پورعاطف می‌گوید: «شرکت دانا انرژی به مصوبات کارگروه اشتغال و شورای تأمین شهرستان بی‌توجهی کرده و تعدادی نیروی خارج از منطقه استخدام کرده، آن‌هم برای کارهای خدماتی و این باعث ناراحتی جوانان جویای کار شد که بی‌امکاناتی، دود و آلودگی محیط‌زیستی و تنش آبی را در این سال‌ها تحمل کرده‌اند. باید در نظر داشت که این حق مردم منطقه است. ثروتی که در شهرستان است حاصل جانشناسی و ایثار همین مردم، به‌خصوص در جنگ هشت‌ساله است. خانواده‌ای در شهرستان‌های دشت‌آزادگان و هویزه نداریم که شهید یا جانباز یا ایثارگر نداشته باشد. مردم همه زندگی‌شان را در جنگ از دست دادند و هم آب‌کشورزی و هور را از دست دادند.»

فرماندار هویزه به تشکیل بانک اطلاعاتی از افراد جویای کار اشاره می‌کند که به همه شرکت‌های مستقر در

منطقه ابلاغ شده است: «توقع این بود که به‌خاطر حفظ آرامش و نظم منطقه تابع سیاست‌های نظام، قانون کار و شهرستان باشند. جلسه‌ای با شرکت مهندسی و توسعه نفت (کارفرما) داشتیم و قرار شد شرکت‌های نفتی نیاز به نیروی کار را به ما ارائه دهند و اگر نیروی مورد نظرشان در منطقه نبود، از جاهای دیگر استخدام کنند.»

به‌گفته او «نه‌تنها مردم بلکه دستگاه‌های امنیتی و اعضای شورای تأمین بارها تذکر و هشدار داده‌اند و دادستان شهرستان هم به مسئله وارد شده است. اداره کار نیز از شرکت‌های نفتی به مجامع قضائی شکایت کرده است.»

#### قهر و آشتی نفتی

میدان نفتی سهراب در امتداد مرز ایران و عراق، اردیبهشت ۱۴۰۲ افتتاح شد. شرکت «دانا انرژی» پیمانکار اصلی این پروژه و زیرمجموعه شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) فعالیت می‌کند. روابط‌عمومی متن به پیگیری خبرنگار «پیام ما» پاسخ نداد و در یک پیامک اعلام کرد: «اطلاعاتی برای موضوع شما در دسترس نیست.»

اما «مهديه پورشاده»، مدیر مسئولیت اجتماعی شرکت دانا انرژی، به «پیام ما» می‌گوید: «کارگاه‌ها و تولید نفت از روز شنبه تعطیل شده است. تعدادی از کارکنان این شرکت با شلنگ و میلگرد و چوب مورد ضرب و شتم قرار گرفته و آسیب دیده‌اند و تحت درمان هستند. ضمن اینکه مردم محلی را محق می‌دانیم، اما این حرکت را تأیید نمی‌کنیم که عده‌ای بی‌گناه آسیب ببینند. از طرفی به اموال شرکت هم خسارت جدی وارد شده

است.»

به‌گفته او، از تیرماه تاکنون پروژه «به‌دلایل خاصی» تعطیل شده است. «با اینکه ۱۷۶ نفر از رفیع استخدام کرده بودیم، با تعطیلی کارگاه‌ها این افراد بیکار شده‌اند. در استخدام جدید هم ازآنجاکه معرفی نیروهای محلی با تأخیر انجام شد، پیمانکار نیروی جدید جذب کرد و همین مسئله باعث تنش شد.»

او مردم محلی را ذی‌نفعان اصلی پروژه توصیف می‌کند که حششان است مشغول به‌کار شوند و فرصتی برایشان مهیا شود: «رویکرد ما همیشه تعاملی بوده و سعی کردیم حواسمان به منطقه باشد و می‌خواهیم منافع پروژه به مردم برسد. تلاشمان این بوده که فرایندها و وظایفمان را انجام دهیم، اما به‌نظرمی‌رسد سوءتفاهمی رخ داده که باعث شده این تعامل دوطرفه و سازنده نباشد. معتقدیم مردم اگر هم اعتراض می‌کنند، حششان است و باید راهی برای صلح و آشتی بین مجموعه و مردم پیدا کنیم.»

#### پرونده سهراب در دادگاه

خوزستان، پایتخت نفت کشور، براساس آخرین آمارها بالاترین نرخ بیکاری کشور را دارد و در صدر شاخص فلاکت استان‌ها نشسته است.

«حیدر سواعدی»، رئیس اداره کار شهرستان هویزه و دبیر شورای اشتغال شهرستان‌های هویزه و دشت آزادگان، درگفت‌وگو با «پیام ما»، شکایت از شرکت‌های نفتی فعال در میدان سهراب را تأیید می‌کند: «پیش از چهاربج شکایت، به‌دلیل استخدام نیروهای غیربومی برخلاف مصوبات، ارائه ندادن قرارداد به اداره کار و عمل نکردن به قوانین ایمنی، علیه این شرکت‌ها طرح کردیم که آخرین آنها روز یکشنبه بود.»

او بر مصوبات شورای تأمین شهرستان و بخشنامه استانداری و ماده ۴۷ قانون برنامه توسعه ششم تأکید دارد و می‌گوید: «ما مانع تولید نیستیم و هدف افزایش تولید است. براساس مصوبات شورای اشتغال قرار بود ۸۰ درصد استخدام‌ها از میان مردم بومی باشد و

درصورتی‌که نیروی متخصص در شهرستان نباشد، از مناطق دیگر استخدام کنند؛ اما شرکت‌های نفتی تمکین نمی‌کنند.»

سواعدی درباره رفتار این شرکت‌ها در استخدام نیرو می‌گوید: «چندین لیست از استخدام‌ها ارائه دادند که همگی با یکدیگر مغایرت دارند. در جلسات قول می‌دهند، اما پشت گوش می‌اندازند و این را در بررسی‌ها و بازدیدها بارها مشاهده کرده‌ایم. مثلاً مدعی می‌شوند نیروی متخصص استخدام کرده‌اند، اما بررسی می‌کنیم و مشخص می‌شود آشپز، انباردار و نیروی کارگری و خدماتی استخدام کرده‌اند که نیاز به تخصص ندارند و شبانه آنها را وارد می‌کنند. برای به‌کارگیری نیروهای خدماتی ایرادهای بی‌مورد می‌تراشند تا استخدامشان نکنند. برای همین است که مردم رفیع ناراحت شدند. ما در مورد نیروهای متخصص حرفی نداریم، هرچند که در منطقه نیروهای متخصصی وجود دارد که شرکت به‌دلیل نداشتن سابقه کار آنها را نمی‌پذیرد و حتی حاضر به آموزش آنها هم نیست تا در آینده به نیروی متخصص تبدیل شوند.»

به‌گفته او، نام بیش از ۸۰ه نفر فقط در بانک اطلاعات کارجویان رفیع ثبت شده است. طبق برآوردها در شهرستان هویزه یک هزار و ۳۴ نفر و در دشت آزادگان بالغ‌بر دو هزار نفر بیکار هستند که بیشتر از نیمی از آنها از دهک‌های پایین و زیر خط فقر هستند.

#### سراب نفت

شهر رفیع با پنج هزار نفر جمعیت، همسایه هورالعظیم و یکی از قطب‌های گاومیش‌داری است. اعتراض مردم این شهر کوچک مرزی در حالی بالا گرفته که شهر در تکاپوی برگزاری یادبود سالگرد آزادسازی رفیع است که پس از حدود ۹ ماه اشغال در جنگ، ۱۰ آذرماه ۱۳۶۰ آزاد شد. رفیع در جنگ هشت‌ساله کاملاً تخریب شد و بیش از ۲۷۰ شهید داشت. بازسازی او موفقیتی نداشت و بخش زیادی از شهر به‌دلیل خشکیدن هور و بی‌آبی و بیکاری متروکه مانده است.

«مصطفی»، یکی از اهالی رفیع، به «پیام ما» می‌گوید: «مردم رفیع عصبانی هستند؛ چون از مسئولان محلی و نفتی‌ها بی‌عدالتی دیدند و حس می‌کنند مغرضانه است. از وقتی شرکت نفت در منطقه مستقر شده، مخصوصاً میدان سهراب، امیدوار بودیم شرایط اقتصادی منطقه‌مان بهتر شود و زیرساخت و اشتغال و درآمد سرانه شهر بهبود پیدا کند. بعضی‌ها حاضر شدند از زراعت بگذرند و زمین‌هایشان را در اختیار شرکت نفت بگذارند، فقط به این خاطر که زمینه اشتغال جوانان را فراهم کنیم، اما امیدمان ناامید شد.»

او تأکید می‌کند: «ما قبول داریم نفت ملی است، اما نمی‌شود ثروت منطقه، هیچ بهره‌ای برای مردمش نداشته باشد. همه وعده‌هایی که داده بودند، عملی نشد و مسئولیت‌های اجتماعی خود را انجام ندادند؛ اشتغال جوانان فقط یکی از آنهاست. در ماه‌های گذشته باز هم اعتراض کردیم و تجمع مسالمت‌آمیز برگزار کردیم، اما هیچ‌کس اهمیتی نداد. به آنها گفتیم نیروهای غیربومی را اخراج و بومی‌ها را استخدام کنید، ولی قبول نکردند. مثلاً آبدارچی چه تخصصی نیاز دارد که از استان‌های دیگر می‌آورند؟» مصطفی ادامه می‌دهد: «متوجه شدیم بعضی از استخدام‌ها هم خارج از ضوابط و مصوبات، با توصیه و سفارش بعضی از آقایان در شهرستان بوده، برای همین مردم دیگر حتی به حرف مسئولان محلی مثل شورا و فرمانداری و بخشداری هم اعتمادی ندارند و خودشان دست به کار شدند. مردم توقع زیادی ندارند، فقط می‌خواهند در شهر خودشان کار کنند. هر اتفاقی بیفتد، مسئول و مسببش شرکت نفت است؛ چون دارند تخلف می‌کنند.»

فرایند تهیه کتاب برای خانواده‌اش مشارکت می‌کند. او در سال ۱۴۰۱ طی مراسمی رسمی با حضور مسئولان اداره محیط‌زیست و رئیس کتابخانه‌های ملایر، از هویت بصری و محتوایی طرح «کاغذ تو کتاب نو» رونمایی کرد، اما به‌جز چند عکس و گزارش خبری در سایت نهاد کتابخانه‌های استان خرجی و بازخورد مناسبی دریافت نکرده است. با وجود اینکه این طرح قابلیت گسترش در سایر کتابخانه‌های شهر، استان و حتی کشور را دارد، اما فقط در سه کتابخانه شهر ملایر اجرا می‌شود.

قربانی دلیل همراهی نکردن سایر کتابخانه‌ها را چنین بیان می‌کند: «ازآنجاکه طرح کاغذ تو کتاب نو یک طرح عام‌المنفعه است و کار مضاعف برای کتابدار به حساب می‌آید، نمی‌توان در این طرح انتظار همکاری داوطلبانه از سوی سایر همکاران را داشت. بنابراین، بهتر است از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی برای همراهی کتابخانه‌های دیگر انگیزه و مشوق‌هایی در نظر گرفته شود که به همکاری با این طرح ترغیب شوند.»

باوجوداین، قربانی و همکارانش در کتابخانه توحید سامن و علامه مجلسی ملایر از پیگیری این طرح دست برنداشته و کم‌اکان با تبلیغات زبانی و چهره‌به‌چهره در حال معرفی و تبلیغ طرح «کاغذ تو کتاب نو» هستند. قربانی در سال ۱۴۰۱ با نوشتن مقاله‌ای در «همایش بین‌المللی فعالیت‌های داوطلبانه فرصتی برای پویاسازی و توسعه خدمات در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز آرشویی» این طرح را ارائه کرد.

طرح «کاغذ تو کتاب نو» نشان داد در دل نهادهای مسکوت فرهنگی هم فعالیت‌های داوطلبانه و مؤثری در جریان است که نه‌تنها برای بیان کاری و پر کردن رزومه نیست که تلفیقی از تخصص، تعهد و نوآوری در کار به‌حساب می‌آید.

کتابداران دیگر این طرح، عناوین منابع مکتوب کتابخانه‌های عمومی مورد اقبال و خوانش نسل جوان و نوجوان نیستند. بنابراین، قربانی سازوکار ساده اما اثربخشی را برای تهیه کتاب‌ها در پیش می‌گیرد: «فهرستی از عناوین پرتکرار را که مورد درخواست مراجعان اما در کتابخانه موجود نیست، می‌نویسم. سپس هر کتابی را که امکان ثبت در سامانه کتابخانه‌های عمومی داشته باشد، از طریق سایت‌های فروش کتاب تهیه می‌کنم.» چنین رویکردی در توجه به سلیقه مخاطب سبب شده است کتابخانه شهید بهشتی ملایر با کتابداری قربانی، در میان کتابخانه‌های شهرستان ملایر بیشترین تعداد امانت کتاب را نسبت به عضو د داشته باشد.

مبدع طرح «کاغذ تو کتاب نو» از روش‌های مختلف برای تأمین هزینه این طرح می‌گوید: «برای کاهش هزینه‌ها و افزایش سود حاصل از تعویض منابع اهدایی، عمدتاً از سایت‌هایی کتاب می‌گیرم که تخفیف ۲۰ تا ۳۰ درصدی دارند. به‌همین دلیل، ارزش مالی کتب خریداری‌شده از پولی که صرف خریدشان می‌شود، بیشتر است. با این راهکار هزینه پست و جابه‌جایی کتب تازه و منابع اهدایی را هم می‌پردازم تا نهایتاً سودی که از منابع اهدایی مردم به‌دست می‌آید، به خود مردم بازگردد.»

قربانی با درگیر کردن شهروندان در فرایند تهیه کتاب به افزایش مراجعان کتابخانه و اعتماد عمومی آنها به این نهاد فرهنگی کمک شایانی کرده. او معتقد است: «اساس این طرح بر اعتماد شکل گرفته و مادامی که کاری توسط مردم و برای مردم انجام شود، مداوم می‌یابد.»

قربانی ادامه می‌دهد: «با پیشرفت طرح دریافت کاغذ، متقا و جزوات باطله را هم اضافه کردیم و الان مغازه جنب کتابخانه شهید بهشتی هم با اهدای کارتن در

### نشست |

**یک کتابدار، کاغذهای باطله را به کتاب درخواستی تبدیل می‌کند**

# رویش کتاب از کاغذ باطله



ایستنا |



**زهرا کردا**

روزنامه نگارا

برابر مراجعان کتابخانه شرم دارد. کمبود بودجه، بوروکراسی‌های اداری و ضوابط قدیمی حاکم بر نهاد کتابخانه‌های عمومی در انتخاب و تهیه کتاب همگی باعث شده است کتابخانه‌های عمومی در تأمین خواسته و نیاز مخاطب ناموفق باشند. از طرفی، تغییر سلیقه مردم، سرعت زیاد زندگی مدرن، دسترسی به اینترنت و فضای مجازی در کاهش مراجعه به کتابخانه‌های عمومی بی‌تأثیر نیست و چنین دلایلی باعث می‌شود کتابخانه‌های عمومی در

#### تهیه کتاب به سلیقه مخاطب

با چنین سازوکاری، طی چهار سال قربانی توانسته است بیش از ۸۰ه جلد کتاب به ارزش ۱۴ میلیون تومان برای کتابخانه‌های همرا در این طرح تهیه و به منابع کتابخانه‌های عمومی کشور بیفزاید. به‌گفته یکی از

### نشست |

#### ایستنا |

**یک کتابدار، کاغذهای باطله را به کتاب درخواستی تبدیل می‌کند**

# رویش کتاب از کاغذ باطله

قربانی کتابداری است که داوطلبانه کاغذهای باطله را به کتاب‌های پرمخاطب تبدیل می‌کند. این کتابدار در گفت‌وگو با «پیام ما» از تجربه ناامید شدن مراجعان از کتابخانه‌های عمومی و ایده‌ای که از پس این اتفاق ایجاد شد، می‌گوید: «اواخر زمستان ۱۳۹۹ بود که کرونا سبب تعطیلی موقتی کتابخانه شد. در آن بازه مراجعان کتابخانه بسیار کم بودند و در بسیاری از مواقع هم کتاب مورد نیاز این مراجعان را نداشتیم. به‌عنوان یک کتابدار که یکی از اصلی‌ترین وظایفم کتاب دادن به مردم است، از ناامیدی مراجعان و نیامدن مجدد آنها ناراحت بودم. از طرفی، همواره منابع اهدایی متعددی از طرف مردم برای کتابخانه می‌آمد که عمدتاً به‌علت فرسودگی ظاهری یا قدیمی‌شدن اطلاعات مندرج در آنها قابل‌استفاده مجدد در کتابخانه نبود.»

قربانی با یک شیوه ابداعی، منابع اهدایی غیرقابل‌استفاده در کتابخانه را جدا کرد و از آنها برای تهیه کتاب‌های جدید استفاده می‌کند: «طرح «کاغذ تو کتاب نو» از همین‌جا شکل گرفت. دورریزهای کاغذی اهدایی را به مراکز بازاریافتی ارسال و عایدی آن را با منابع مطالعاتی جدید جایگزین می‌کنم.»

#### تهیه کتاب به سلیقه مخاطب

با چنین سازوکاری، طی چهار سال قربانی توانسته است بیش از ۸۰ه جلد کتاب به ارزش ۱۴ میلیون تومان برای کتابخانه‌های همرا در این طرح تهیه و به منابع کتابخانه‌های عمومی کشور بیفزاید. به‌گفته یکی از



## دیدگاه

### راهی برای تحقق حقوق کودک



احمدکریم آسایش  
اعضو کمیته تدوین سند الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک

به مناسبت روز جهانی کودک نیاز است مسیری را که از زمان الحاق ایران به کنوانسیون جهانی حقوق کودک تاکنون طی شده است، بازبینی کنیم و ببینیم اکنون چه راهی را باید پیچود.

الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک در انتهای سال ۱۳۷۲ تصویب شد. از زمان تصویب الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک تا سال ۱۳۸۸ وزارت امور خارجه موضوعات مربوط به حقوق کودک و گزارش‌ها و موارد مربوطه ستادی را پیگیری می‌کرد و از سال ۱۳۸۸ مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در وزارت دادگستری با ساختاری قوی‌تر و یک شورای هماهنگی شکل گرفت. از سال ۱۳۷۳ انجمن‌های حوزه کودک، مثل انجمن حمایت از حقوق کودکان و مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، شکل گرفتند.

قبل از آن، سابقه شورای کتاب کودک (از ۱۳۴۱)، انجمن ملی حمایت از کودکان (از سال ۱۳۲۹-الیه ابتدا با عنوان کمیته ایرانی اعتماد مالی به نفع کودکان) وجود داشتند. تشکیل انجمن‌ها از ۱۳۷۳ براساس کنوانسیون جهانی حقوق کودک بود. در سال ۱۳۸۱، یعنی ۹ سال پس از الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک، با پیگیری‌های انجمن‌های حوزه کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب رسید.

پیش از آن هم اقداماتی برای شکل دادن به مشارکت کودکان (الیه دانش‌آموزان) شکل گرفته بود که شامل طرح شهردار مدرسه (اجرا از سال ۱۳۷۲ به‌طور آزمایشی در ۴۰ مدرسه راهنمایی شهر تهران، اما با پیشینه عنوان «مشارکت دانش‌آموزان در امور شهر تهران در اوقات فراغت» توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در سال ۱۳۶۹ و «طرح ۲۰» توسط دکتر پرویز پیران در سال ۱۳۶۰)، طرح پریش مهرنخستین طرح در مهرماه سال تحصیلی ۱۳۶۶-۱۳۷۷، شورای دانش‌آموزی (تشکیل در سال ۱۳۷۶) بود. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ عمدتاً معطوف به مسئله کودک‌آزاری بود؛ گرچه ضعف‌هایی در بازآزادگی داشت.

پس از زلزله بم در سال ۱۳۸۲، انجمن‌های حوزه کودک، طرح «شهر دوستدار کودک» را پیگیری کردند. در سال ۱۳۷۷ نیز طرح «مهربان سیار» مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا در کوی ۱۳ آبان شهری مسیری به‌سمت «شهر دوستدار کودک» گشود؛ هرچند غیرمستقیم. در سال ۱۳۸۶ دولت ایران تعهدی به صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) داد و شهر تهران به طرح شهرهای دوستدار کودک ملحق شد. براین‌اساس، شهرداری تهران مسئولیت دبیرخانه هدایت پروژه شهر دوستدار کودک در شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا را پذیرفت. در سال ۱۳۸۸ شورای اسلامی شهر تهران طرح شهر دوستدار کودک را تصویب کرد و آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۹۴ منوب شد.

از سال ۱۳۸۷ (انجمن دوستدار کودک اوز) فعالیت خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۸۹ توسط مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، شهراوز به عنوان شهر دوستدار کودک شناخته شد. در سال ۱۳۸۹ شورای عالی استان‌ها به‌موجب ماده واحده‌ای به شورای اسلامی شهرها پیشنهاد کرد شهرداری‌ها را در راستای تحقق شهر دوستدار کودک به انجام اقدام‌های لازم موظف کنند. در سال ۱۳۹۷ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور، دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک را ابلاغ کرد که مطابق آن شهرداری‌ها ملزم به اختصاص واحدی برای شهر دوستدار کودک و تخصیص بودجه برای این موضوع شدند.

ادامه دیدگاه را در سایت «پیام ما» بخوانید.

بوده، حالا نزدیک به ۵۰ درصد پیش رفته است. به‌گفته مطلعین محلی: «هزینه ساخت این پل بدون تأیید کتبی یا شفاهی رسمی مراجع ذیصلاح، توسط پیمانکاران و معدن‌داران محلی تأمین شده است. گویا معدن‌داران با برخی از مسئولان و مدیران محلی به توافقاتی رسیده‌اند تا پروژه بدون مانع پیش رود. پس از رسانه‌ای شدن موضوع، اما پروژه ساخت پل شبانه و مستمر در حال پیشروی است.»

کنشگران میراث‌فرهنگی رامهرمز معتقدند مجریان پروژه قصد دارند مخالفان ساخت پل و مراجع قانونی را در مقابل عمل انجام‌شده قرار دهند تا به‌اجبار به کوچک‌سازی حریم جویبی تن دهند و مجوز احداث جاده ورودی را صادر کنند. به‌گفته آنها به‌رغم اعلام اداره‌کل میراث‌فرهنگی خوزستان مبنی بر پیگیری‌های قانونی برای توقف پروژه، کارگران همچنان مشغول کارند.

#### از منافع کشاورزان تا منافع ملی

درحالی‌که جاده‌سازی مرتبط با معدن مجاور محوطه جویبی باعث نگرانی‌هایی درباره حفاظت این محوطه ارزشمند شده است، شنیده‌ها حکایت از آن دارد که نماینده رامهرمز در مجلس به کشاورزان وعده داده که منافعشان را تأمین کند و اجازه ندهد جاده دسترسی به معدن از زمین‌های آنها و از سمت «دوکوهک» و «پیرعزیز» عبور کند. این به آن معناست که این مسیر از حریم و عرصه جویبی خواهد گذشت.

حال سؤال اینجاست که مسئولان استانی کدام را در اولویت قرار خواهند داد؟ منافع کشاورزان که با دادن زمین معوض مشکلاتشان حل می‌شود یا منافع ملی که با تردد ماشین‌آلات سنگین در عرصه جویبی و تعرض به حریم آن به خطر خواهد افتاد. چنان‌که سالهاست به خطر افتاده و در مواردی هم منجر به آسیب به این محوطه شده است.

#### سابقه مطالعات باستان‌شناسی در جویبی

سال ۱۳۸۶ فصل نخست کاوش در این محوطه منجر به کشف آرامگاهی از دوره عیلام نو شد. دو سال بعد و در گمانه‌زنی‌ها برای تعیین عرصه و حریم محوطه، آثاری از دوره عیلام تا دوران اسلامی به دست آمد. در مطالعات بعدی در این محوطه وسیع و مهم آثاری از دوره‌های عیلامی، هخامنشی و اشکانی به دست آمد. باستان‌شناسان این احتمال را می‌دهند که اگر مطالعات در این محوطه تداوم داشت، احتمال رسیدن به نشانه‌هایی از دوره ساسانی هم وجود داشت. سؤالات بسیاری برای باستان‌شناسان مطرح است که پاسخ آنها در جویبی است. اما هنوز فرصت مطالعات گسترده‌تر در این محوطه از سوی وزارت میراث‌فرهنگی ایجاد نشده است. اما پیش از آن‌که باستان‌شناسان به این محوطه بازگردند، تخریب‌گران بازگشته‌اند تا اهدافشان را دنبال کنند.

شده است. در تمام این سال‌ها بارها تعرض به حریم جویبی از سوی معدن‌کاران، اداره آب خوزستان و کشاورزان منطقه و ذی‌نفعان دیگر اتفاق افتاده. بارها مسئولان میراث‌فرهنگی اقدام به پیگیری حقوقی کرده‌اند، اما کاری از پیش نبرده‌اند. سال ۹۹ بود که چند نفر از نیروهای یگان حفاظت میراث‌فرهنگی توسط متعرضان به محوطه باسنتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در درگیری به‌وجودآمده لودرها ترانسه‌هایی که باستان‌شناسان برای مطالعات در محوطه باز کرده بودند را پرکردند.

دادستان دستور بازداشت متخلفان را صادر کرد. پروژه مدتی متوقف شد و بخشی از تجهیزاتی که در محدوده محوطه باستانی بارگذاری شده بود، جمع‌آوری شد. اما حالا درست از همان نقطه قبل، دوباره پروژه را از سر گرفته‌اند. این‌بار اما شفافیت لازم در مورد مجریان پروژه وجود ندارد.

#### اقدام حقوقی میراث‌فرهنگی این بار به کجا می‌رسد؟

هر بار که کارخانه سنگ‌شکن یا معدن‌کاران به عرصه و حریم جویبی تعرض کرده‌اند، اداره میراث‌فرهنگی استان از متخلفان شکایت کرده و پیگیری‌های حقوقی انجام داده، اما پس از مدتی دوباره همان داستان تکرار شده است. گویی قانون چندان هم نمی‌تواند حریف متجاوزان به حریم و عرصه جویبی شود. این بار هم «محمد جوروند»، مدیرکل میراث‌فرهنگی خوزستان، به «پیام ما» می‌گوید: «معدنی که در نزدیکی محوطه باستانی جویبی قرار دارند، قصد احداث جاده‌ای را در عرصه این محوطه داشتند که ما با اطلاع از شروع پروژه مخالفتان را اعلام و شکایتی علیه متخلفان تنظیم کردیم و در حال حاضر به‌دنبال حکم قضائی هستیم.»

او به اهمیت محوطه باستانی جویبی اشاره می‌کند و می‌گوید برای بررسی‌های دقیق‌تر در روزهای آینده باز هم کارشناسان این اداره‌کل به جویبی می‌روند و شرایط را از نزدیک بررسی می‌کنند.

جوروند درباره اینکه پیگیری حقوقی در چه مرحله‌ای است، می‌گوید: «شکایت باید روایی را طی کند تا بتوانیم در مورد آن اطلاع‌رسانی کنیم. اما آنچه مسلم است، ما از شکایت صرف‌نظر نخواهیم کرد. طبق قانونی اگر تخریبی اتفاق افتاده باشد، متخلفان باید پاسخگو باشند و پروژه متوقف خواهد شد. ما در مورد محوطه‌های باستانی با کسی تعارف نداریم.»

باید دید این بار منع قانونی و قضائی چقدر می‌تواند کارساز باشد و بالاخره تکلیف عرصه و حریم جویبی مشخص می‌شود یا نه. با اینکه برخی فعالان محلی به «پیام ما» گفته‌اند قرار است با سیاست بازنگری در حریم، حریم جویبی کوچک‌تر شود تا مانع قانونی از راه متخلفان برداشته شود، اما به‌گفته جوروند: «کارشناسانی که پیش‌ازاین محل پروژه را بررسی کرده‌اند، معتقدند این اقدامات درست در عرصه محوطه باستانی در حال وقوع است.» که در این صورت و براساس قوانین موجود، پروژه باید به‌سرعت و برای همیشه متوقف شود.

درعین‌حال، این محوطه در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده و قانون حفاظت از آثار ملی هم شامل حال آن می‌شود. اما بعضی از اهالی دو روستای دهیور و جویبی به «پیام ما» می‌گویند مجریان پروژه شبانه در حال پیش‌بردن کار هستند و هنوز پروژه متوقف نشده است. پروژه‌ای که به دستور دادستان در سال ۹۷ متوقف شده



مدیرکل اداره میراث‌فرهنگی خوزستان می‌گوید از متخلفان راهسازی در محوطه ۳ هزارساله رامهرمز شکایت کرده‌ایم

## بازگشت لودرها به سرزمین «عیلامی»‌ها

ایپام ما «جویبی» از جمله محوطه‌های باستانی مهم ایران است که بیش از آنکه باستان‌شناسان در آن تردد داشته باشند، ماشین‌آلات راهسازی و کامیون‌ها در آن رفت‌وآمد داشته‌اند و بیش از آنکه فرصت مطالعه برای کارشناسان در مورد آثار ارزشمند موجود در آن وجود داشته باشد، ماشین‌آلات سنگین در آن جولان می‌دهند. اواخر دهه ۹۰ وقتی اعتراض به تعرضات معدن‌کاران به حریم جویبی، به درگیری و پرکردن ترانسه‌های باستان‌شناسی توسط ماشین‌آلات راهسازی منتهی شد، با ورود داستانی به موضوع پروژه متوقف شد. اما دوباره همان افراد پروژه تخریب و تعرض به این محوطه را کلید زد‌اند تا کار نیمه‌کاره را تمام کنند.

محوطه باستانی جویبی رامهرمز میان دو روستای جویبی و دهیور در جنوب شرقی خوزستان قرار دارد. موقعیت جغرافیایی این محوطه باستانی و همچنین، تمدنی در این محدوده، باعث بروز چالش‌های متعددی

### تدوین سند ملی گردشگری پایدار در دستورکار

فعالان و سیاستگذاران گردشگری در نشست «مدرسه سرمایه‌گذاری‌های سبز در گردشگری» با اشاره به بحران‌های محیط‌زیستی و ناترازی منابع طبیعی، بر ضرورت شکل‌گیری چارچوب ملی سرمایه‌گذاری سبز در گردشگری تأکید کردند.

این نشست تخصصی با حضور «سیدمصطفی موسوی» رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی ایران، «علی‌اصغر شالباقیان» مدیر مرکز سرمایه‌گذاری وزارت میراث‌فرهنگی، «سیدسعید هاشمی» رئیس دانشکده گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ و جمعی از رؤسای کمیسیون‌های گردشگری و فعالان بخش خصوصی در دانشگاه علم و فرهنگ برگزار شد. موسوی در این نشست با تأکید بر اینکه تغییراقلیم و مدیریت نادرست منابع طبیعی، کشور را در معرض تهدید جدی قرار داده است، گفت: «ناترازی و نبود مدیریت علمی در بهره‌برداری از منابع طبیعی، آسیب‌های عمیقی به زیست‌بوم کشور وارد کرده است و گردشگری سبز می‌تواند بخشی از این خسارات را جبران کند. تدوین سند جامع حمایت از سرمایه‌گذاری سبز در گردشگری به‌عنوان یک ضرورت ملی در دستورکار اتاق بازرگانی قرار دارد.» او با اشاره به تجربه کشورهای موفق در گردشگری مانند ترکیه، نقش جامعه محلی در توسعه گردشگری پایدار را حیاتی خواند و گفت: «زمانی که مردم محلی منافع واقعی گردشگری را درک کنند، به‌سرعت به کنشگران اصلی حفاظت از محیط‌زیست و سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شوند.»

به‌گفته موسوی، ایجاد سبد حمایتی برای جوامع محلی در پروژه‌های گردشگری - به‌ویژه پروژه‌های سبز- می‌تواند موتور محرکه‌ای برای محرومیت‌زدایی در مناطق کم‌برخوردار باشد. گردشگری ایران باید سریع‌تر به سمت فناوری‌های پاک حرکت کند. امهر

**با صلوات بر محمد وآل محمد سرمایه‌گذاری برای تولید ایران پایدار به وسعت ایمان، به بلندای امید**

## شرکت معادن زغالسنگ کرمان

### آهکی تجدید مزایده عمومی همراه با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

کارفرما و مزایده‌گزار: شرکت معادن زغالسنگ کرمان  
موضوع فراخوان‌ها عبارت است از: انجام راهبری معدن زغال سنگ همکار به‌صورت روزانه کل محدوده معدن مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مزایده و محل دریافت: از تاریخ انتشار آهکی لغایت مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ دیرخانه کمیسیون معاملات آخرین مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ زمان بازگشایی پاکت‌ها: ارزیابی کیفی مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ و بازگشایی پاکت مزایده مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ ۸,۲۲۰,۲۵۸,۴۳۱ ریال  
**نوع تضمین: یک یا ترکیبی از انواع تضمین زیر:**

ضمانتنامه بانکی - فیش بانکی (وجه نقد) - اوراق مشارکت و یا وثیقه ملکی.  
آدرس محل تحویل پاکت: دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت.  
هزینه خرید اسناد مزایده: مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال به‌حساب شماره ۳۱۴۸۸۱۰۷ بانک رفاه شعبه شهید صدوقی تلفن تماس مزایده‌گزار: ۰۳۴۳۱۱۷۲۶۶

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹**

**شرکت معادن زغالسنگ کرمان**

